

عنوان مقاله:

مدل نظری بازآفرینی بافت های تاریخی

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، دوره 1، شماره 5 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

مرجان کریم پورشیرازی - دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، ایران

عمران کهزادی سیف آباد - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، گروه شهرسازی، واحد شوشتر، خوزستان، ایران

خلاصه مقاله:

با توجه به جایگاه و اهمیت ویژه اندیشه بازآفرینی شهری به عنوان یک واژه عام و در برگیرنده مفاهیم مرمت، بازسازی، احیا و باززنده سازی در فرهنگ معماری و شهرسازی، بررسی تحلیلی دیدگاه های نظری با توجه به کنش متقابل آنها با زمینه های موجد این اندیشه ها و مطالعه فرآیند مواجهه اندیشه های معارض و همسو به عنوان شالوده و بنیان نظری انتخاب روش بازآفرینی از اهمیت و ضرورت اجتناب ناپذیری برخوردار است. در این راستا مقاله حاضر به بررسی تحلیلی مهمترین اندیشه های بازآفرینی بافتهای تاریخی با توجه به زمینه های فلسفی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موجد آنها و فرآیند تکمیلی شکل گیری اندیشه های غنی تر در نتیجه برخورد با اندیشه های معارض و همسو می پردازد. بر این اساس، ابتدا اندیشه های مرمت و سپس فرهنگ گرا در مقابل تفکرات نوگرا و سیر تغییرات این دو الگوی نظری و تعدیل این دو و زایش الگوی ارگانیک گرا از تلاقی این اندیشه ها بررسی شده و سپس ویژگیهای تفکر ساختارگرایی به عنوان بیانیه ای پیشرو در امتداد فرآیند تکاملی تفکرات پیشین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همچنین نقش موثر روشهای کارگرد گرابی و ساختارگرایی به عنوان دو روش فراگیر در علوم مختلف جامعه شناسی، مردم شناسی، روانشناسی، اقتصاد و... و مکتب تلفیقی ساختی - کارکردی در فراهم آوردن بستر شکل گیری و رشد الگوهای شهرسازی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نهایتا به ارایه مدلی نظری بازآفرینی شهری به عنوان رویکرد موثر در بازآفرینی شهری پایدار منجر شده است. روش تحقیق این مقاله بر مبنای مطالعه اسنادی، کتابخانه ای و همچنین روش تحلیل محتوا و استدلال منطقی تهیه و تنظیم شده است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن هستند که در سیر تکاملی دیدگاه های بازآفرینی بافتهای تاریخی، اندیشه هایغنی تر فرصت ایفای نقش بیشتر در فرآیند تکاملی اندیشه ها را پیدا کرده اند. در مدل نهایی، شهر همچون یک موجود زنده تکامل یافته دارای استخوانبندی مشخصی است و از این رو مطالعه فرآیند تغییرات تاریخ شهری و شناخت نحوه شکل گیری و تغییرات استخوانبندی شهر، توجه به ویژگیهای اقلیمی محیطی و فرهنگی محلی، استفاده از دانش تخصصی شهرسازان در استحکام بخشی ساختار اصلی شهر و ایجاد زمینه های مشارکت شهروندان در ساختن سایر بخشها، تقویت پیوستگی بین زمان و مکان و اولویت به بازسازی به جای نوسازی در کنار نگرش سیستمی به هسته تاریخی به عنوان زیرسیستمی از سیستم شهری، برنامه ریزی همه جانبه و همزمان بازآفرینی در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، کالبدی و محیطی و توجه به نقش عملکردی هسته تاریخی و شهر در منطقه و حوزه هایفراشهری از اهم مولفه ها و معیارهای مدل نهایی به عنوان پشتوانه نظری بازآفرینی شهری می باشند.

کلمات کلیدی:

بازآفرینی شهری، ساختارگرایی، کارکردگرایی، نگرش سیستمی، ساختار اصلی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/707408>



